

جلوهای از امامت

محمّد رضا کریمی



انتشارات دلیل‌ما

جلوه‌ای از امامت

محمدرضا کریمی

انتشارات دلیل‌ما

چاپ نگارش

چاپ اول: ۳۰۰۰ نسخه

تابستان ۱۳۸۴

قیمت: ۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۳۹۷-۱۲۴-۴ ISBN

آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۲۹، پلاک ۴۴۸

تلفن و نمابر: ۷۷۳۴۹۸۸-۷۷۳۴۹۱۳

صندوق پستی ۱۱۵۳-۳۷۱۳۵

WWW. Dalile-ma.com

info@ Dalile-ma.com

مراکز پخش:

۱) قم، انتهای خیابان صفائی، رویروی کرچه شماره ۳۸، ساختمان

پزشکان. فروشگاه دلیل‌ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱-۷۷۳۷۰۰۱

۲) تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، نبش

شهدای زانسد ارمی، پلاک ۳۲، تلفن ۶۴۶۴۱۴۱

۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،

مجمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل‌ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳-۵

کریمی، محمدرضا، ۱۳۳۵ -

جلوه‌ای از امامت / محمدرضا کریمی. - قم: دلیل‌ما، ۱۳۸۴.

۹۲ ص.

ISBN 964 - 397 - 124 - 4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

۱. امامت. الف. عنوان.

۲۹۷/۴۵

ج ۴ ک ۲۲۳ BP

۱۱۵۴۹-۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست

- پیشگفتار..... ۹
- ۱- امامت چیست؟ ۱۵
- لزوم احتیاج به امام از راه فطرت و عقل ۱۶
- ضرورت احتیاج به امام از راه نقل ۲۰

مبحث اوّل

نصب امام و جانشین پیامبر حقّ خداوند است / ۲۱

- دلیل اوّل: لیاقت واقعی «امام» نسبت به مقام امامت ۲۱
- دلیل دوّم: دلالت تعریف «امامت» بر مدّعی ۲۳
- دلیل سوّم: خداوند علیم حکیم موجبات سعادت امت را مهمل نمی‌گذارد. ۲۵
- دلیل چهارم: آیات انحصار هدایت در خداوند متعال ۲۸
- دلیل پنجم: آیات انحصار «حکم» در خداوند متعال ۳۰

مبحث دوم

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) به تعیین خداوند

جانشین بلا فصل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌باشد / ۳۳

- ۳۴ « حدیث ثقلین »
- ۳۴ □ لفظ حدیث
- ۳۵ □ تحقیق در الفاظ « حدیث ثقلین » و دلالت آن بر مدّعی شیعه امامیه
- ۳۷ □ راویان « حدیث ثقلین »
- ۳۹ قضیه یوم الدّار (داستان خانه حضرت ابوطالب)
- ۴۳ □ دو نکته مهم و قابل توجه
- ۴۵ « حدیث منزلت »
- ۴۶ - حدیث اوّل -
- ۴۷ - حدیث دوم -
- ۴۸ - داستان تبوک -
- ۵۰ □ پاسخ به اشکالی که اهل سنت بر حدیث منزلت کرده‌اند!!!
- ۵۳ « حدیث غدیر »
- ۵۶ □ تواتر « حدیث غدیر »
- ۵۷ □ راویان « حدیث غدیر »
- ۵۹ □ متن « حدیث غدیر »
- ۶۱ □ دلالت « حدیث غدیر » بر امامت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)
- ۶۳ □ مهمترین اشکال اهل سنت بر دلالت « حدیث غدیر » و پاسخ آن
- ۶۵ □ امامت سائر انمه علیهم السلام

مبحث سوم

امام (مانند پیامبر) باید معصوم باشد / ۷۵

□ عصمت چیست؟ ۷۵

□ براهین لزوم وجود عصمت در امام و جانشین پیامبر ۷۶

□ تفاوت عصمت و عدالت ۸۲

مبحث چهارم

امامت از اصول دین است / ۸۵

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة والسلام على محمد المصطفى وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم من الأولين والآخرين .

« امامت » - همچنانکه از تعریف آن به دست می آید که : ریاستی عمومی است بر جمیع امت در تمام امور دین و دنیا به حساب نیابت و خلافت از رسول خدا ﷺ - مقامی است منیع و « امام » هم لامحالة ، بخصوص در مکتب شیعه ، دارای جایگاهی رفیع می باشد .

و البته این رفعتِ جاه و بلندی مقام درباره « امام » و « جانشین پیامبر » نزد شیعیان ، دستاورد تعلیمات امامان معصومشان علیهم السلام می باشد ، چرا که پس از اثبات حقایق دوازده امام (با براهین غیر قابل خدشه از عقل و نقل) که با علی بن ابیطالب علیهما السلام آغاز و به همام و هم کینه رسول خدا ﷺ یعنی : حضرت ولی الله الأعظم حجة ابن الحسن العسكري علیه وعلی آباءه الصلوة والسلام به انجام می رسند ، شیعیان ، گوش دل سوی فرمایشات آن سروران دین و دنیا نموده ، و با خضوع و

خشوع هر چه تمامتر در محضرشان زانوی ادب زده، و از زلال علمشان بهره‌ها گرفتند، و با عکوف بر سرای باب مدینه علم رسول الله ﷺ، آن قدر که خاکیان را ممکن بود، (البته هر کسی فراخور درک و فهمش) قلبهای زنگار گرفته را به انوار معارف نامنتهای آن ابواب الهی جلاء دادند.

گفتم همه ملک حسن، سرمایه تست

خورشید فلک چو ذره در سایه تست

گفتا غلطی زما نشان نتوان یافت

از ما تو هر آنچه دیده‌ای پایه تست

شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) در سایه ارشادات و به برکت تعلّم در مکتب امامانشان (علیهم السلام)، جانشینان برحق رسول خدا ﷺ یعنی آن عصاره‌های خلقت را اینگونه شناخته‌اند که :

الْإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرَهُ، لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ، وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ. وَلَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ، وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ، مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا اكْتِسَابٍ، بَلِ اخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضَلِ الْوَقَافِ^۱.

ترجمه: امام (و جانشین پیامبر) یگانه روزگارش می‌باشد، و کسی (در علو جاه و مقام) به او نمی‌رسد، هیچ داناتی (در داناتی و علم) با او برابری نمی‌تواند، و یافت نمی‌شود کسی که بتواند کار او را انجام دهد، مانند و مشابهی برایش نیست، معدن کمالات و فضائل بوده، این کمالات جز از صُقع ربوبی، از جای دیگری نشأت نگرفته است.

و نیز دربارهٔ این اعجوبه‌های سراجۀ وجود اینگونه معتقدند که :

وَهُوَ بِخَيْثُ النَّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاولِينَ وَوَصَفِ الْوَاصِفِينَ.^۱

ترجمه : جایگاه بلند « امام » و عدم امکان وصول به کنه ذات او به مثابۀ مقام اختران است نسبت به دست انداختن کسانی که در صدد دست رساندن به آنها می‌باشند ، و با قَلَت بضاعت علمی از اوضاع کهکشانها ، در صدد توصیف آنها می‌خواهند برآیند .

و باید دانست که شناخت این ولیّ مطلق پروردگار محتاج به ضمیری صاف و فکری دور از تعصب و خیالات است ، پس جای هیچ شگفتی نیست که کسانی این ارادت خالصانه ، و معرفتی اینگونه عریق را « غلو » پنداشته ، و شیعیان را در ارتباط با داشتن چنین عقائد پاکی (که چیزی جز تعلیمات سرورانشان نمی‌باشد) « غالی » بنامند ، زیرا آن کسان به جهت تقلید کورکورانه از گذشتگان‌شان هنوز پرده‌های اوهام و خیالات را از مقابل دیدگان خود به کنار نرده‌اند ، و با دیدگاهی که شالوده‌اش را جز تعصب ناروا و بی‌جا چیزی دیگر پی‌ریزی نکرده به شیعه و اعتقادات او می‌نگرند . آری ، گناه شیعیان !! چیزی جز این نیست که آنچه را خداوند متعال در آیات قرآن با صراحت تمام برای سرور کائنات اثبات می‌فرماید ، و آن بزرگوار را واجد آن مراتب معرفتی می‌فرماید ، همان مقامات و مراتب را برای کسانی قائلند که با ادلۀ متقن و غیرقابل انکار ، جان رسول‌الله و به حکم عموم ادلۀ نیابت و جانشینی ، آینه‌سرتا پانمای حضرت ختمی مرتبت ﷺ بوده ، و

در همه چیز جز نبوت، همتای آن حبیب خداوند می‌باشند.

مخالفین شیعه به خاطر این گناه نابخشودنی!! یعنی این اعتقادات دور از هر گونه شائبه انحرافی، شیعه را مستحق هر گونه نسبت ناروایی دانسته، و در تألیفات و محافلشان به گونه‌ای از شیعه تعبیر می‌کنند که گویا باید شیعیان در اینکه آیا مسلمانند یا نه تجدید نظر به عمل آورند!!.

آیا شیعه در طول تاریخ، روشی جز تبعیت از قرآن و سنت قطعیّه رسول خدا ﷺ از خود اظهار داشته است؟ آیا غیر از این است که شیعیان برای اثبات مدّعی خودشان، به ادله‌ای تمسک می‌جویند که مخالفینشان تمامی آن ادله را صحیح دانسته و راهی برای انکار آنها ندارند؟

و باید توجه داشت که نزاع شیعه با مخالفینش در اولین مرحله، نه بر سر اثبات مقام ولایت مطلقه بر ما سوی الله برای امامان علیّه است، بلکه شیعیان برآنند که خصم در مقام اعتراف به امامت و خلافت ظاهری آن سروران بعد از رسول خدا ﷺ برآمده، و متصدی مقام رفیع جانشینی پیامبر را شخصی بدانند که ظاهراً و واقعاً لائق آن باشد.

در اینجا مناسب است که فرازی از فرمایشات فَخْرُ الشَّيْعَةِ وَمَفْخَرُ أَهْلِ الشَّرِيعَةِ سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ الْمَشْهُورَةِ عَلَى أَعْدَائِهِ مَرْحُومِ آيَةِ اللَّهِ عَلَماً امینی آسکنه الله فسیح جنانه را که در مرضی که منتهی به ارتحال آن عالم فرزانه به دارالجنان شد، به صدیقی حمیم فرموده بودند ذکر نمائیم، کلامی نورانی که حاکی از ولایتی خالص، سینه‌ای مملو از محبت و معرفت و دلی سوخته می‌باشد، فرموده بودند: «تَعَجَّبَ اسْتِ از مردمی که شک در امامت و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علیّ بعد از رسول خدا ﷺ بر

امت دارند، و حال آنکه نور مقدّسش، واسطه ظهور ممکنات از کتم عدم به سرای وجود است، و اوست که نور وجودش در خلقت، تنها همتای حضرت ختمی مرتبت است.»

و لازم به ذکر است که تنها شیعه امامیه، روایات مقامات ولایت مطلقه کلیه و سبقت خلقت نور امامان علیهم السلام را نقل نکرده‌اند، بلکه در تألیفات مخالفین، بالخصوص آنچه در زمینه فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام به رشته تحریر درآمده، روایات زیادی وجود دارد که مثبت مدّعی شیعیان است.

آری، همچنانکه گذشت، بحث از معارف ولایت مطلقه امامان شیعه علیهم السلام بر جمیع مخلوقات با آن عرض عریضی که دارد، پیشکش خصم باشد، اکنون سخن ما این است که با وجود آن همه ادله غیر قابل انکار در سرتاسر تألیفات اعلام اهل خلاف، چگونه است که هنوز بر سر انکار بوده، بدون هیچ مستند صحیح و قابل اعتنائی، شیعیان اهل بیت علیهم السلام را در معرض تهمت‌هایی ناروا قرار داده، و عقائد برهانی و پاک و بی‌آلایش شیعه را که مأخذی جز قرآن کریم و فرمایشات پیامبر و اهل بیت کرامش علیهم السلام ندارد، بازیچه افکار و امیال خود قرار داده‌اند؟!

تألیفات دانشمندان شیعه در علوم مختلف در سرتاسر کتابخانه‌های عمومی و خصوصی بلاد مختلف موجود است، خوب است به جای این همه تهمت‌های ناروا و نسبت‌های زشت، مضامین آن تألیفات را با منطقی صحیح (البته اگر مبنای خصم، سخن گفتن مطابق منطق صحیح باشد) ابطال کرده، و حریف را از میدان مبارزه بیرون رانده، با خیالی راحت و

خاطری آسوده به غارت و چپاول عقائد افراد مشغول کردند .

گویا آزادی و حریت در رأی و عقیده ، و تفکر در زیر غیر پوشش تعصب و اوهام و خیالات ، از عالم رخت بر بسته ، نه ، بلکه گویا اصلاً از مادر زاده نشده است ، والا چگونه ممکن است منازعه‌ای که پرونده‌اش بدینگونه روشن و دور از هرگونه ابهام و اغلاقی باشد ، بعد از گذشت ۱۴ قرن ، هنوز مخومه نگردیده ، و حق صاحب حق ، دائماً پایمال هوسبازی عده‌ای عالم نما گردد ؟

بگذاریم ، و چیزهای که در پیش رو دارید ، فرازهایی از همین پرورنده غیر مخومه است که روی مندرجاتش به طرف همه اندیشمندان و آزادمردان عالم علم و تحقیق و تدقیق باز است ، شاید که روح حق‌طلبی و واقع‌گرایی ، در قطری از اقطار عالم ، گم‌گشته‌ای را به شاهراه هدایت رهنمون شده ، و از سعادت ابدی و حیات جاوید که در گرو عقیده صحیح است بهره‌مندش سازد .

امید است که متحرّیان حق و حقیقت ، و طالبان جلوه ربّانی به دیده انصاف در آن نظر کرده و در محکمه وجدان که تنها محکمه‌ای است که محتاج به قاضی نیست ، قضاوتی دور از هرگونه رنگ تعصب بنمایند .

والسلام علی من اتبع الهدی

قم المشرفة - حرم الاثمة علیهم السلام

محمدرضا کریمی

۲۲ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ. ق

۱۰/۳/۱۳۸۴ هـ. ش